نخستین جشنواره جهانی فیلم تهران



- آندره‌ی کنچالفسکی - میخالکف
- «پیرپائولو پازولینی» کیست ؟
  (فریدون معزی مقدم)
- سینمای دویست‌وبیست میلیون نفری
  (بهرام ری‌پور)
- سینمای خصوصی ، سینمای عمومی
  (بیژن خرسند)
- آخرین خبر از فیلمهای جشنواره

آندره‌ی کنچالفسکی - میخالکف

سازنده‌ی دایی‌وانیا

ANDREI KONCHALOVSKY - MIKHALKOV

آندره‌ی کنچالفسکی ـ میخالکوف کارگردان بحث‌انگیز سینمای اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۳۷ بدنیا آمده است. او پسر شاعر، سرگئی میخالکف، و نوه‌ی نقاش هنرمند پرآوازه کنچالفسکی است. در کنسرواتوار مدتی به‌تحصیل موسیقی و نواختن پیانو اشتغال ورزید اما با این احساس که هرگز نمی‌تواند نوازنده چیره‌دستی گردد، تحصیل در کنسرواتوار را رها کرد.

مدتی به‌نوشتن داستان و سناریو برای تلویزیون می‌پردازد و سپس به‌مدرسه‌ی فیلم مسکو می‌رود و در آنجا با تارکفسکی هنرمند دیگر سینمای روس همکاری نزدیک پیدا می‌کند.

فیلمهای کوتاهی که او تابحال ساخته است عبارتند از (پسر و کبوتر) ۱۹۵۸، «اسکیتینگ ـ رینک و ویلن» (کارگردانی شده باتفاق تارکفسکی) ۱۹۵۹، آندره‌ی روبلیو ۱۹۶۴، و فیلمهای طویل او عبارتند از معلم اول ۱۹۶۵، «داستان آسیا کلیاچینا، که عاشق بود اما ازدواج نکرد»، (خوشبختی آسیا) ۱۹۶۶، «لانه‌ی حضرات» ۱۹۶۶ (اما در ۱۹۶۹ به‌نمایش درآمد) و آخرین اثرش «دایی‌وانیا»ست که به‌جشنواره ارسال شده و ممکن است برای او و سینمای شوروی کسب‌کننده افتخاری از نخستین جشنواره جهانی فیلم تهران باشد.

شرح دو تصویر: معلم اول ساخته‌ی کنچالفسکی - میخالکف





از انتشارات کمیته روابط عمومی جشنواره
وزارت فرهنگ و هنر، تلفن: ۳۱۱۲۴۴ و ۳۱۸۶۳۷



تئورما ، ساختهٔ پازولینی

پازولینی کیست؟

پی‌یر پائولو پازولینی[1] به تهران می‌آید. نخستین جشنواره جهانی‌فیلم تهران بزرگداشت هنرمندان هنر هفتم را با مرور درآثار این هنرمند بنام سینمای ایتالیا آغاز می‌کند. دربرنامه مرور درآثار این هنرمند بیش‌از ده فیلم ازساخته‌های او به نمایش‌درمیآیدکه ازمشهورترینشان، لات ، ننه روما ، انجیل بروایت متی ، پرنده‌های بزرگ - پرنده‌های کوچك ، ادیب شاه ، تئورما ، خوکدانی و مده آ را یادآور می‌شویم. مقامات رسمی جشنواره اطلاع دادندکه کوشش می‌کنند آخرین ساختهٔ او « دکامرون » را نیز برای نمایش دربرنامه رتروسپکتیو جشنواره فراهم سازند. مسلم است‌که صاحبنظران ، کارگردانان و دوستداران سینما درسراسر دنیا با کارها وآثار پازولینی کم‌وبیش آشنا هستند ، ولی بهرحال یادآوری آثار او وشرح مختصری اززندگی وخصوصیات‌کلی فیلمهایش خالی ازفایده نخواهد بود.

۱ـ Pier Paolo Pasolini



پازولینی باتفاق سیلوانا منگانو

پیر پائولو پازولینی درپنجم مارچ ۱۹۲۲ دربولونیا متولد شد. او تحصیلات دانشگاهی دارد و مدتی در اطراف رم تدریس کرده است. او در ۱۹٤۱ اولین مجموعه شعر خودرا بنام «جوانی بهتر» La Meglio Gioventu منتشر ساخت. پازولینی دراین دوره تمایلات چپی پیدا کرده و باصطلاح مبدل به‌یك چپ‌گرای معتقد می‌شود و کتابهای «خاکسترهای گـرامشی» La Ceneri di Gramsci «اوباش» Ragazzi di Vita و «یك زنـدگی خشن» Una Vita Violenta راکه رگه‌های عمیق مارکسیستی درآنها بچشم می‌خورد، منتشرمی‌سازد. پازولینی علاوه برشعر و داستان مقالات بسیاری درباب لهجه وفلسفه برشته تحریردرآورده است. او پس‌ازاینکه فیلمنامه‌هایی برای Bolognini ودیگران می‌نویسد در پایان دهه پنجاه به‌کارگردانی فیلم رومی‌آورد و در ۱۹٦۱ اولین فیلم خودرا بنام لات (Accattone) بااقتباس ازداستان خودش «یك زندگی خشن» می‌سازد. ازاین‌ببعد پازولینی با «پای برهنه وبالاپوش چرك وزمخت سقراطی» جنگ وستیز خودرا بانظام ومکانیزم دایر درسینما، تئاتر، نویسندگی، نگارش ومسائل جهان سوم آغاز می‌کند. او بخاطر پنیر بی‌نمك La Ricotta طرحی‌برای‌فیلم Rogopag [1] به‌چهار ماه زندان محکوم میشود، اما اجرای حکم معلق می‌گردد، هم‌چنین به اتهام وقاحت در خلق فیلم Teorema به‌محاکمه‌کشانده می‌شود و پیروزمندانه اتهام وارده‌را رد می‌کند، بـرای او، همچنان‌که برای لوئی بونوئل کارگردان بنام اسپانیایی پیشروبودن بامداخله شدید اخلاقی و پیش‌بینی و ترسیم دنیای مابعد بورژوا ملازمه دارد. پازولینی باتفاق بلوکیو Bellocchio باساختن (مشت‌ها در جیب) عقل‌گرایی‌را به بورژوازی نسبت می‌دهد وریشه وضعیت فکری او عشقی است‌که به‌عقل‌گریزی تهی‌دستان‌می‌ورزد: آن شور وروح زندگی‌که درطبقه کارگر متجسد است[2].

در «انجیل بروایت متی» پازولینی بخلاف نیکلاس‌ری در «شاه شاهان»، عیسی مسیح را با اعتباری کاملاً انسانی و خاکی تصویر می‌کند و در «ادیپ» و «مده‌آ» اساطیرزمان بی‌زمان، اسطوره‌های به‌ابر رسیده باهیبت‌های آدمی وبرخاك ایستاده باتقدیر وسرنوشت خوددرستیزند. «تئورما» فیلمی‌که پازولینی در ۱۹٦۸ ساخت، همه‌ی راههارا بروی عقل وتعقل بورژوازی می‌بندد. دراین فیلم‌هنگامیکه «عشق» به‌افراد یك خانواده بورژوازی امروزی چهره نشان‌می‌دهد، آنان‌درچنان برزخی‌گرفتار می‌آیندکه سرانجامی جز نیستی و مرگ و حاشای هستی به «عقل» آلوده خود ندارند. آنان، باستنباط من، بزعم پازولینی حتی هاله خدا ــ عشق‌را انحصاراً برای خود می‌طلبند، اما هاله خدا ــ عشق جامعیت دارد ودربرگیرنده خدمتکار ــ غیربورژوا وحاجتمند ــ این خانواده نیز هست، اوکه سرانجامی‌دیگر دارد. سرانجامی‌که هیچگونه اختیاری برای اتخاذ آن بدیگری داده نمی‌شود. او حتی مرگ خودرا «دستور» می‌کند.

ف. م. م.

فهرست فیلمهایی‌که تابحال توسط پی‌یر پازولینی کارگردانی شده‌است:

۱۹٦۱ ــ لات

۱۹٦۲ ــ ننه رما

۱۹٦۳ ــ پنیر بی‌نمك

(یك قسمت برای فیلم چند پاره Rogopag، پاره‌های دیگـر این فیلم توسط روسه‌لینی، گودار و گرگوره‌تی ساخته شده است).

۱۹٦۳ ــ ملاقات عشق

۱۹٦٤ ــ بررسی درفلسطین

۱۹٦٤ ــ انجیل بروایت متی

۱۹٦٦ ــ پرنده‌های بزرگ و پرنده‌های کوچك.

۱۹٦۷ ــ زمین ازماه دیدن می‌کند

(یك قسمت برای فیلم چند پاره زنان جادوگر Le Streghe پاره‌های دیگر این فیلم توسط رزی، بولونینی، ویسکونتی و دسیکا ساخته شده‌است).

۱۹٦۷ ــ ابرها چه‌چیزی هستند؟

(طرحی برای «کاپریس ایتالیائی»)

۱۹٦۷ ــ ادیپ شاه

۱۹٦۸ ــ فصل گل کاغذی

(طرحی برای «انجیل ۷۰»)

۱۹٦۸ ــ تئورما

۱۹٦۸/۹ ــ خوکدانی

۱۹٦۹/۷۰ ــ مده‌آ

۱۹۷۱ ــ دکامرون

---

۱ ــ عنوان ترکیبی از اول اسم چهار کارگردان: روسه لینی، گودار، پازولینی، وگره گورتی.

۲ ــ مایك والینگتن، مقاله پازولینی: استروکتوالیسم و رمزشناسی، شماره سوم مجله سینما، ژوئن ۱۹٦۹.

سینمای دویست و بیست میلیون نفری



پرنده سفید با خال سیاه ساخته‌ی یوری ایلی‌ینکو

ترجمه : بهرام ری‌پور

از اتحاد جماهیر شوروی چند فیلم بلند در قسمتهای مختلف جشنواره به‌نمایش درخواهد آمد ومسلماً مباحثات ونقد ونظرهای زیادی را موجب خواهد شد . قدمت صنعت سینمای کشوردوست و همسایه ما از انقلاب اکتبر و تغییرات حکومتی و سیاسی آن فراتر می‌رود . اولین فیلمی‌که در روسیه تهیه شده توسط یك‌گروه فرانسوی و از مراسم تاج‌گذاری تزار نیکلای دوم در سال ۱۸۹٦ بود . آپارات‌های ادیسونی به مسکو و تئاتر تابستانی آن هرمیتاژ وبعد به سن‌پترزبورگ می‌رسد . در سن‌پترزبورگ است که شاید اولین نقد سینمایی روسی نوشته می‌شود ! این نقد سینمایی نامه‌ی منتقد مشهور موسیقی وتئاتر وقت ولادیمیر استاسوف ــ که تأثیر زیادی درزندگی هنری «موسورفسکی» و «ریمسکی‌کرساکف» داشته ــ است به برادرش دیمتری . استاسوف دراین‌نامه وجود بی‌پایان خودرا نسبت به‌این«چیز» «عکسهای متحرك» و «کینتوفون ادیسون» نشان می‌دهد . نمایش فیلم حرکت‌ترن و رسیدن آن به‌ایستگاه اورا تکان می‌دهد . شاید او اولین‌کسی باشدکه در آن‌زمان و در روسیه بابعاد دیگر این «چیز» به جزعکسبرداری صرف پی می‌برد . چراکه با رسیدن ترن به ایستگاه درذهن او تصویر «آناکاره‌نینا» شکل می‌گیرد . . . . او باتفاق گلازانف[1] در پایان نمایش فیلمها از جا برمی‌خیزند وفریاد می‌زنند ، «زنده‌باد ادیسون» .

هفتاد و اندی سال از آن دوره‌که در روسیه این«تعجب‌انگیز»های متحرك به‌نمایش درآمد گذشته است . امروز صنعت سینمای اتحاد جماهیر شوروی درشبکهٔ وسیعی وبرای میلیونها نفر از اتباع خود جدا از بازارهای خارجی درفعالیت است و برای آشناشدن با صنعت ، کیفیات وکمیّات صنعت سینمای امروز اتحاد جماهیر شوروی ، فیلمساز ومنتقد ، بهرام ری‌پور مقاله‌ی مستندی از سینماپراتیك (شماره ۱۱۳) ترجمه‌کرده‌اند ، که ضمن تشکر از معاضدت ایشان باتفاق آنرا می‌خوانیم .

ف . م . م

از صدوسی فیلم داستانی که هرساله دراین‌کشور تهیه میشود، تنها چهل‌درصد آن در مسکو جلوی دوربین میرود وبقیه محصول چهارده جمهوری دیگر هستند و از ٤٧٠٠ عضو اتحادیه سینماگـران شوروی ، فقط نیمی از آنها در مسکو مشغول کار می‌باشند . با اینکه سینمای جمهوری‌های گرجستان و اوکراین‌ازنظر قدمت با سینمای روس همزمان هستند ، بعضی دیگر از جمهوری‌ها صاحب‌سینمائی جوان و تازه‌نفس می‌باشند که باوجود دوربودنشان از مرکز کشور ومعدود بودن تعداد فیلمسازان و هم‌چنین محصولات سالیانـه ، از نظر اهمیت و ارزش ، فیلمهایشان هم‌طرازفیلمهای‌سایرجمهوریها است . از میان این جمهوریها میتوان سینمای جوان جمهوری قزاقستان را نام برد که بلافاصله بعداز جنگ بین‌الملل‌دوم بوجود آمد . با اینکه در این جمهوری سالیانه بیش از دو یا سه فیلم با کیفیت فنی‌متوسط ، تهیه نمیشود ولی همین مقدار فیلم که با واقع‌بینی و صمیمیت ساخته میشوند کافی است که تمام مردم شوروی را متوجه سینماگران این‌جمهوری نماید .

پخش فیلم

کشور اتحاد جماهیر شوروی در زمینه پخش فیلم فقط با کشورهای سوسیالیست

---

۱ - آلکس گلازانف Alex Glaz(o)Unow متولـد ۱۸٦٥ در سن‌پیترزبورگ ومتوفی ۱۹۳٦ در پاریس . آهنگساز ورهبر مشهور ، همدوره وهمدرس ریمسکی‌کرساکف . «لیست» اولین سمفونی اورا در «وایمار» رهبری کرده است .

روابط بازرگانی دارد. این روابط با کشورهای سرمایه‌داری بسیار محدوداست و تنها بعضی فیلمها با دقت و وسواس برای‌نمایش درشوروی خریداری میشوند. فیلمهای سکسی که هم‌اکنون سینمای اروپا و آمریکا را تسخیر کرده‌اند، در شوروی راهی ندارند. از فیلمسازان خارجی در این کشور «استنلی‌کریمر» (محاکمه در نورمبرگ) و آرتورپن (تعقیب) موفقیت بسیار کسب کرده‌اند. درحالیکه‌آنتونیونی ابداً طرفداری ندارد. اخیراً مؤسسه بازرگانی شوروی «سوواکسپورت» فیلم «آنها اسبها را خلاص میکنند» (سیدنی پولاك) «تحقیق درباره یك همشهری‌مظنون» (الیوپتری) و «کوئیماوا» (جیلوپونتکوروو) را برای نمایش در شوروی خریداری کرده است. فیلمهایی که اکثراً درآنها ازمسائل اجتماعی وسیاسی صحبت شده‌است.

در داخل‌کشورنیز مسئله پخش‌فیلم، مسئله ساده‌ای نیست زیرا فیلمها بزبانهای مختلف ساخته میشوند و تماشاگران به زیرنویس‌علاقه‌ای ندارند. پس باید فیلمها را دوبله کرد. البته نه به صدوپنج زبانی که در سراسرکشور وجود دارد بلکه به پانزده زبان رسمی پانزده جمهوری، باین ترتیب برای فیلمی‌که باید درسراسرکشور پخش شود بودجه نسبتاً قابل‌توجهی برای دوبله لازم است.

درسراسر شوروی صدوپنجاه هزار سالن نمایش وجود دارد که درسال ۱۹۷۱ چهار میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون تماشاچی داشته‌اند (حدود سیزده میلیون نفر در روز) باین ترتیب می‌بینیم که هر روسی در سال بیش از نوزده‌بار بسینما میرود. (هرآلمانی چهاربار وهرفرانسوی ۳ر۶) قیمت‌متوسط بلیط دربهترین‌سالنهای نمایش سی «کوپك» در روز و پنجاه «کوپك» در شب است (حدود سی تا چهل‌وپنج ریال) در شهرهای کوچك قیمت بلیط در هرحال از سی «کوپك» تجاوز نمیکند. باید در نظر داشت که در شوروی دستمزد متوسط حدود هشتاد روبل در ماه است (حدود هفتصدوپنجاه تومان).

سالنهای نمایش

«روسیا» بعداز «اوکتیابر» دومین سالن‌سینمای مسکواست. این سالن ده‌سال پیش با دومیلیون وهفتصد هزار روبل ساخته شده‌است (این پول درعرض دوسال با ده میلیون تماشاچی مستهلك شده) «روسیا» دارای سه سالن‌است که هر کدام بلیط جداگانه‌ای دارد یك سالن برای نمایش فیلمهای طویل با دوهزاروپانصد صندلی و پروژکتور هفتاد میلیمتری با شش نوبت نمایش روزانه. قیمت بلیط‌ها از پنجاه تا هفتاد «کوپك» است یك‌سالن برای نمایش فیلمهای کوتاه با دویست صندلی و ده نوبت نمایش روزانه. بهای بلیط این سینما ده «کوپك» است. یك سالن برای نمایش فیلمهای نقاشی متحرك با دویست صندلی که تا ساعت چهار بعدازظهر اختصاص به بچه‌ها دارد وبعداز آن ورود برای عموم آزاد است. بهای بلیط این سینما نیز ده «کوپك» است. این سه سالن همیشه پر از جمعیت است. علاوه براین سینما، صدوهفده سالن‌دیگر شهر مسکو با ظرفیت متوسط هفتصد تماشاچی همیشه تمام صندلیهایشان اشغال است. علاوه‌برسالنهای سینما، سالن‌های کنسرت، تآتروسیرك نیز مملو ازتماشاچی است. درحالیکه چهارفرستنده تلویزیونی نیز در این شهر به تماشاگران برنامه‌های متنوع عرضه میدارند.

استقبالی که از انواع مختلف فیلم در این کشور بعمل میآید یکسان نیست. تماشاگران شوروی فیلمهای کمدی و حادثه‌ای را بیشتر ترجیح میدهند. به فیلمهای تاریخی هم بی‌علاقه نیستند. ولی بطوریکه آمار نشان میدهد این علاقه روز بروز کاهش می‌یابد. چنانچه فیلم عظیم «جنگ وصلح» که در چهار قسمت تهیه شده بود، قسمت اول آن دومیلیون‌و پانصد هزار تماشاچی داشت در حالیکه تعداد تماشاگران قسمت چهارم به دویست‌و هفتادوپنج‌هزار نفر رسید.

محصولات دولتی

پولی‌که از پخش فیلمها برمیگردد، باین‌ترتیب خرج میشود: چهل‌وپنج درصد برای ساختن سالنهای سینما و فعالیتهای فرهنگی‌وهنری اختصاص‌می‌یابد وپنجاه و پنج درصد بقیه در اختیار دولت قرار میگیرد تا صرف ساختن فیلمهای تازه و توسعه استودیوها بشود. برای ساختن یك فیلم در شوروی، ابتدا سناریوی آن به‌یك شورای هنری مرکب از سناریستها و سینماگران برجسته احاله میشود. سناریوهائی که در این‌شورا پذیرفته‌ شوند در اختیار یك‌کمیته دولتی قرار میگیرد که تعداد و چگونگی فیلمهای هرسال را تعیین میکند. این کمیته همچنین در سناریوها تغییرات لازم را بعمل میآورد و بعد سناریوهای آماده برای فیلمبرداری باستودیوها فرستاده میشود. هر استودیو درسال پنج فیلم میتواند تهیه‌کند. واگر استودیوئی امکان تهیه بیش‌از این مقدار را داشته‌باشد، میتواند تقاضابرای فیلمهای اضافه بدهد. تهیه محصولات مشترك بین استودیوها و سایر جمهوریها و همچنین میان دولت وسایرکشورها از قبیل لهستان و آلمان‌شرقی امکان‌پذیر است. ولی‌تهیه محصولات‌مشترك باکشورهای‌سرمایه‌داری هیچگاه در شوروی نتایج رضایت‌آمیزی به‌بار نیاورده است بهمین دلیل این قبیل محصولات بندرت تهیه میشوند.

کارگردانهادرزمره کارکنان‌استودیوها قرار دارند ونسبت به مرتبه‌ای‌که درآن قرار دارند حقوق ماهانه میگیرند. کارگردانها ازنظرکار درسه مرتبه قرار دارند وکیفیت فیلمهائی که میسازند میتواند آنها را ازمرتبه‌ای بمرتبه بالاتر ببرد. کارگردانها بطورمتوسط هردوسال یك فیلم میسازند و موفقیت یا شکست فیلمها ازنظر تجارتی درکار آنها تأثیری ندارد.

رابطه سینما وتلویزیون درشوروی چندان حسنه نیست. فیلمهای سینمائی تا یکسال‌ازتاریخ‌نمایش‌نمیتوانندرتلویزیون نشان داده شوند. با اینکه تلویزیون استودیوی اختصاصی دارد، معهذا بعلت کمبود متخصص وکارگردان، گاهی از کارگردانها و متخصصین استودیوهای فیلمبرداری کمك میگیرد. درعوض تلویزیون سالیانه تعداد زیادی فیلم مستند میسازدکه آنها را برای نمایش درسینماها خریداری میکنند.

پرورش فیلمسازان

درشوروی برای‌پرورش ذوق‌خلاقه جوانان درکار فیلمسازی اهمیت زیادی قائل هستند. درانستیتوی سینمائی مسکو و درکاخ جوانان استودیوهای مجهزی دراختیار دانشجویان قرار دارد وآنها موضوعاتی را بدلخواه انتخاب‌کرده وبه

سینمای خصوصی و سینمای عمومی

راه‌یابی وموفقیت درفستیوال‌ها،
و صحبت از یك فیلم فستیوالی

از : بیژن خرسند

شاید اطلاق فیلمهای فستیوالی و فیلمهای غیرفستیوالی بطور کلی بر محصولات سینمائی ، خیلی درست‌نباشد، اما بنا برآنچه عملاً واقع وانجام شده میتوانیم این تقسیم‌بندی را بپذیریم تا به نتایج بعدی برسیم .

منظور از فیلم فستیوالی ، فیلمی است که بخصوص با درنظر گرفتن‌شرایط شرکت در فستیوال ، و یا حتی احتساب جایزه‌های احتمالی ساخته شده باشد .

دراین‌زمینه، وقتی در سطح‌وسیعش نگاه کنیم ، تمام فیلمهای پر جایزه‌ی سینمای‌آمریکا، دراین رده جا میگیرند، از : «بن‌هور» گرفته، تا «نوای‌موسیقی» وغیره.

اما مراد از فیلمهای غیرفستیوالی، فقط فیلمهائی که به‌این منظور ساخته شده‌اند ، نیست . بدیهی است که مثلاً

بقیه درصفحه بعد

فیلمسازی مشغول میشوند وسالی یکبار میتوانند با هنرپیشه فیلم بسازند . بدیهی است‌که تمام دانشجویان‌کار فیلمسازی را ادامه نخواهند داد وتنها آنهائی‌که دراین مدت ذوق‌واستعداد خودرا ثابت‌کرده‌اند، درکنکور اصلی انستیتوی سینمائی شرکت میکنند . دوره این مدرسه پنج سال است ودانشجویان‌ماهیانه حقوق‌دریافت‌میدارند (معادل هزار و دویست تومان) مدرسه دارای‌رشته‌های‌مختلف‌ازقبیل کارگردانی، فیلمبرداری ، نقاشی متحرك ، تلویزیون وغیره است . هرسال یك میلیون مترفیلم دراختیار دانشجویان قرار میگیرد تا بوسیله آن‌کار فیلمسازی را تجربه‌کنند درپایان‌تحصیلات هردانشجو فیلمی‌بعنوان فیلم دیپلم میسازد . بهترین دانشجویان هرسال ازطرف‌استودیوی «مسفیلم» برای ساختن یك فیلم طولانی دعوت میشوند .

علاوه براین راه دیگری نیز برای کارگردان شدن وجود دارد . اتحادیه سینماگران یك دوره دوساله‌کارگردانی برای تحصیل‌کسانی‌که دررشته‌های دیگر فارغ‌التحصیل شده‌اند ، تشکیل داده‌است. امتحان ورودی این دوره شامل امتحان کتبی ، شفاهی ونوشتن موضوع یك فیلم است. دراین‌دوره نیز دانشجویان درپایان یك فیلم دیپلم میسازند .

سایر کارکنان استودیو از قبیل دستیاران ، فیلمبردارها وهنرپیشگان نیز میتوانندبه‌کارگردانی‌روآورند. «سرگئی باندارچوك» هنرپیشه فیلمهای متعدد ، درسال ۱۹۵۹ نخستین فیلم خودرا بنام «سرنوشت یك انسان» کارگردانی‌کرد . همچنین «سرگئی اوروسوسکی» مدیر فیلمبرداری « وقتی‌که لك‌لك‌ها پرواز میکنند » و « متالینکوف » سناریست و « یولیا سلنتسوا » همسر و همکار سابق « داوژنکو » ازکسانی هستندکه درسینما مشاغل‌دیگری‌داشتند وسرانجام‌کارگردان شدند .

باید گفت‌که سینمای شوروی یك سینمای تجارتی نیست سینمائی است با هدفهای سیاسی ، اخلاقی و زیبائی‌شناسی. یك تشکیلات عظیم صنعتی‌که محصولاتش سرشار ازبارهای سیاسی ، اجتماعی است. وقتی صحبت ازسینمای شوروی میشود بلافاصله تصویرقهرمانی باصفات‌قراردادی در ذهن مجسم میگرددکه درجنگ دوم جهانی شرکت داشته و بقیه عمرش را بفداکاری برای اردوگاه سوسیالیزم پرداخته است . ولی واقعیت این نیست ، حتی اگر این تصویر درذهن فیلمنامه‌نویسان شوروی واقعاً وجود داشته باشد. چون این سینما زمانی منحرف خواهد شدکه ایدئولوژی مانع خلاقیت وتبلور ذهن فیلمساز باشد .

فیلم «لیلی عزیز» بدون هیچ منظور خاصی ساخته میشود ، و فیلم بدی هم هست . . .

دراین سطح به فیلمهائی نظر داریم که سازنده‌اش احتیاج به ساختن آن داشته تا بتواند حرفهای خودرا بزند ، و بعد این فیلم ناگهان در یك فستیوال موفقیت خارق‌العاده بدست می‌آورد .

چون منظور اصلی ، بردن جایزه نبوده ، پس در واقع این جایزه گرفتن نیز ، میتواند در سطح فیلم با اهمیتی از نظر سازنده قرار نگیرد – که البته دلیل‌قطعی آن نخواهد بود که اوفیلمهای بعدی خود را با فکر و امید شرکت در فستیوال و بردن جایزه نسازد .

بهرحال در این حد ، او برنده است .

زیرا اولاً فیلم خودرا ساخته و حرفش را زده است ، و ثانیاً این حرف مورد پسند و تائید هم قرار گرفته‌است .

حالا دراین مرحله بصورت‌دیگری به طرح مسئله می‌پردازیم ، وآن «سینمای خصوصی» و «سینمای عمومی» است .

این تقسیم‌بندی شاید ساده‌تر بنظربرسد ، زیرا سینمای عمومی میتواند بـر تمام فیلمهای ساخته شده شمول پیدا کند ، ولی سینمای خصوصی سینمائی باشد ، که بهر حال نبض بازار و نکات موفقیت تجارتی فیلم ، در مورد آن در نظر گرفته نشده باشد .

واین‌بارزترین‌خصوصیت این‌سینماست ، در نظر نگرفتن ــ نتایج و موفقیت‌های تجارتی فیلم – که در موارد بسیاری خود به موفقیت کامل رسیده است .

علت اینگونه موفقیت‌ها ، در هر زمان بعلت تغیراتی در فیلمسازی‌وسینمای وقت بوده است . . که در عین حال‌مسائل تازه‌یی هم داشته است .

موفقیت های بعدی ، به علت کارهای تازه در تکرار همین حرفها بوجـود میآید .

مثلاً نگاه میکنیم به فیلم «لباس کندن» اثـر «میلوس فورمن» – در فستیوال اخیر کان – که موفقیت و جایزه بدست آورد .

«لباس کندن» به مسائل جدید جامعه آمریکائی از دیدگاهی تـازه می‌پردازد .

این جدید بودن ، هم درفرم فیلم است – ازطریق نماهای داخل نما بخاطر پیش‌بردن داستان – که این روزها خیلی بکارگرفته میشود وهم در داستان ، بخاطر مسائلی‌که مطرح شده است .

این‌گونه فیلمها تابحال‌تعدادی‌مشابه داشته‌که در بیان همین حرفها کمابیش موفقیت‌هائی بدست آورده‌اند .

این موفقیتها بخاطردگرگونی‌هائی درسینمای آمریکائی است . طرح اصلی فیلم (طرح نسبتاً تازه درسینما) ، مسئلهٔ کلی فرار جوانان ازخانواده‌ها ، وکنده شدن آنها ازعلائق همیشگی است ، وعدم تفاهم دونسل ، دوکوشش برای به تفاهم رسیدن .

فصل‌اولیه فیلم ، باصحنه‌های مقطع ازدخترهای آوازخوان ، و افراد خارجی حالت «اورتوری» را داردکه پس‌ازآن ، دقیقاً باید به‌متن اصلی‌که شامل افراد معینی است محدود شود .

این افراد ، پدر ومادر یك دختر فراری ازخانه هستندکه بنوبه‌خود بهمین علت با پدر ومادرهای دیگر تماس پیدا میکنند ، تا دوباره داستان به‌بچه‌ها برسد.

درواقع فیلم ازیکطرف به‌جوانان می‌پردازد وازسوی دیگر به پدرومادرها که پرداختن به اینان باز مسئلهٔ جوانان را مطرح میکند .

آنچه فیلم از جوانان به ما نشان میدهد لحن بیطرف وتا حدودی مثبت به نفع جوانان را دارد ، اما لحن فیلم درباره پدران و مادرهای با خصوصیات معین حمله‌کننده ومسخره‌کننده است .

صحنهٔ اوج فیلم راکه برخورد دو طرف داستان باشد فیلمساز درپایان فیلم آورده‌است. هنگامیکه‌دختر دوست‌پسرش را برای آشنائی با پدرومادرش به خانه می‌آورد تا باهم شام بخورند . پدرومادر درصدد برداشتن قدم در راه از[illegible] فاصله هستند ، و به این خاطر [illegible] نوازندگی و خوانندگی میزنند [illegible] آنکه این رابطه ایجاد شود ، وحا[illegible] حالت مضحکی‌است که در آن طم[illegible] آن چنانکـه از صحبتهای پسر[illegible] درباره شغل ودرآمد پسر برمیآ[illegible] میشود امافیلم، بهرحال‌لحن‌خوش[illegible] هم دارد وفکرمیکندکه این تفاهم [illegible] بردن فاصله ممکن است ، چنانکه [illegible] صحنه نوازندگی پدرومادر میتواند[illegible] دراین راه باشد .

اما قبل از این ، فیلمساز [illegible] شدیدی به پدرومادرهای آمریکائی [illegible] است . خاصه با مضحك نشان دادن [illegible] درصحنه‌ی جلسهٔ سازمان پدرومادر[illegible] که بچه‌هایشان فرارکرده‌اند و در[illegible] بدیع تدریس ماری‌جوانا وبا عریان‌کر[illegible] مسئله‌ای جدی درصحنهٔ قمار لباس‌ک[illegible]

مکالمه این صحنه با ورود نا[illegible] دختر ونظارهٔ او برکارهای قبیح ومادر درواقع بصورت مجازات آن[illegible] انجام میگیرد .

فیلمساز خط اصلی درتوجیه [illegible] فرارها را عدم تفاهم قرار داده است [illegible] به راه حل کاری ندارد .

درصحنهٔ ماری جوانا طنز به‌بهترین نحو برموضوع تسلط دارد ، اما درهمین صحنه نیز باز فیلمساز والدینی را بوسیله جوانی‌که طرز تدخین ماری‌جوانا را به‌آنها می‌آموزد، به‌مسخره میگیرد وشاید آنرا علامت پیروزی دیگری درمصاف دونسل میداند : نسل جوان ، نسل قبلی‌را نیز به‌راه خود میکشاند .

به‌این ترتیب با بازگوکردن یك مسئله جدید درقالب یك سینمای جدید یك فیلمساز فیلمی ساخته است‌که اتفاقاً فستیوالی وجایزه‌گیر ازکار درآمده‌است یعنی راه‌یابی و ورود فیلمی از سینمای خصوصی به سینمای عمومی . ودر ادامه یا عدم ادامهٔ این‌کار منتظر فیلم بعدی کارگردان این فیلم ویا ساخته‌هایی مشابه ازکارگردانان دیگر باید بود .

ANOTHER SHORT REPORT:

We have already given a list of feature films having a better chance of entering the contest, in our previous issue. Here are some more films which have been seen by the Selection Committee of the Festival. Some of these films stand a better chance of entering the final contest.

From USSR

«A white bird with a black spot» by Yuri Ilienko.

From Belgium

«Le rouge, le rouge et le rouge» by Jean Jacques Andrien.

From USA

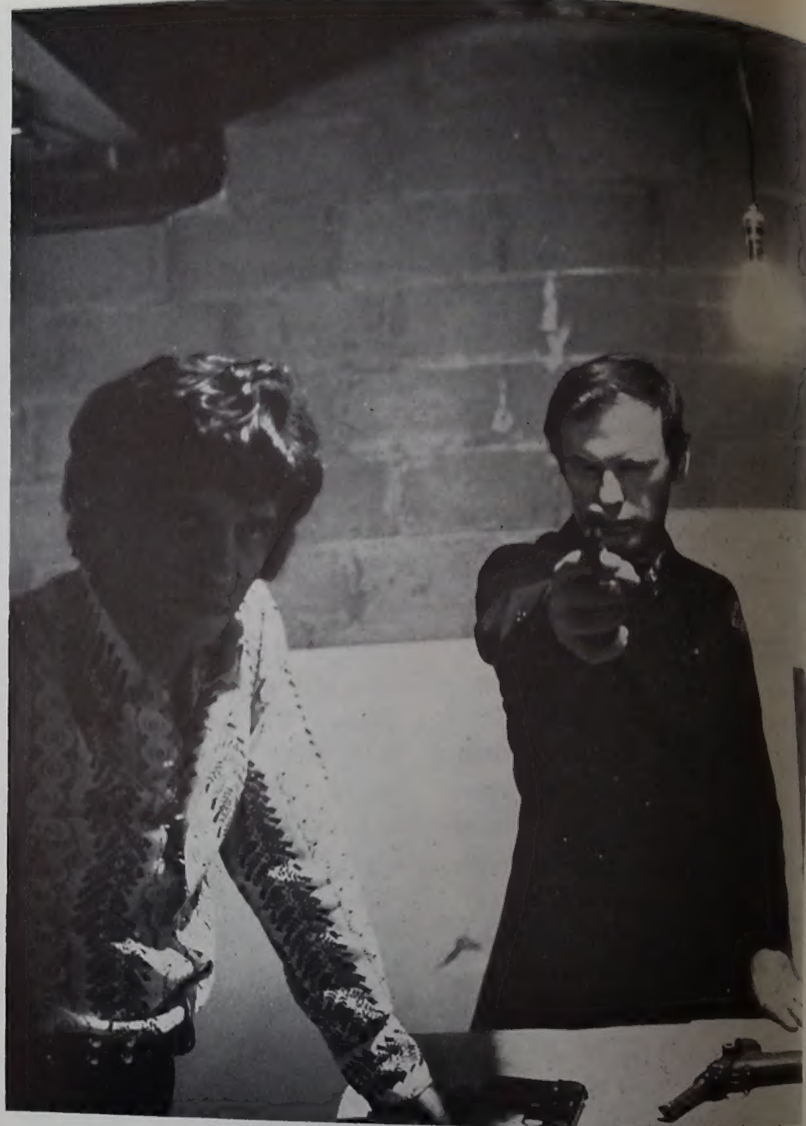
«The French Connection» by William Friedkin.

From Egypt

«Amour et Position» by Barakat.

From France

«Le Voyou» by Claude Lelouch.



Lelouch's «Le Voyou»

آخرین خبر

علاوه برفیلمهایی که درشماره پیش گزارش‌شد ، فیلمهای زیر نیزتوسط اعضاء هیئت انتخاب جشنواره مشاهده ومورد بحث قرارگرفته است :

بلژیك :

قرمز ، قرمز و قرمز (کوتاه)
کارگردان : ژان - ژاك آندرین

اتحاد جماهیرشوروی :

پرنده سفید با خال سیاه (طولانی)
کارگردان : یوری ایلی‌نیکو

ایالات متحده امریکا :

رابط فرانسوی (طولانی)
کارگردان : ویلیام فریدکین

cause he made a film without any limitations and still it was liked and appreciated by others.

Before we discuss about the theme and the treatment of a story in a film, we divide the films into two categories — general films and exclusive films. The term general may be applied to all the films produced so far. But exclusive films are only those which are produced without taking into consideration the business requirements and ignoring the marketing demands. This in itself is a great quality which in many cases leads to success and fortune. The answer for such success lies in the changes which always take place and give rise to new problems in film industry.

Take for example the Cannes International Film Festival Award winner «Taking Off» directed by M. Forman. In this film new problems of the American society have been projected from a fresh angle.

This new technique is there both in the visual form and the script of the film. As far as the visual form, he uses sub shots in between the main shots to project wider and magnified picture of the subject under discussion. The manner in which the selection of story or the script for the film media is made is also new and modern. Several directors following this technique, projected various problems and made a success. But this success may be attributed to the changes taking place in American film industry.

The main theme of the film is relating to the problems of youths escapes from their homes, severing family ties, misunderstanding between the younger and the older generations and their efforts to arrive at some understanding.

The first part of the film is composed of short parallel shots of girl singers and foreigners which may be described as an overture. Later the main theme of the story becomes limited with the real cast of the film. This cast is composed of father and mother of a girl who escapes from her home. They come in contact with other parents with the same problem, which brings the film again to the problems of the youth.

The film on one hand projects the problems of the younger generation and on the other presents the conditions of father and mother. In this film the problems of younger generations are projected in an impartial way which are to some extent in favor of them. But the projection of father and mother is to a great extent aggressive and surcastic.

The film has been so directed that the climax of the dispute between the two sides takes place towards the end when the girl invites her boy friend to a dinner and introduces him to her parents. The parents already prepared to bridge the gulf avail of this opportunity and start singing and dancing in approval. The director has skillfully projected the fun of this meeting. The conversation which takes place at the dinning table gives a greedy smell.

The projection of this scene is optimistic in its meaning and gives an impression that bridging the gulf between the two sides is not impossible. The last scene with father and mother singing makes it more evident.

In earlier scenes the director of film has made severe attacks on American parents and makes them a laughing stock to achieve his objective with their children severing relations. In other scenes the real theme of the film is projected with marijuana, gambling and naked acts.

The director has punished the parents with dialogues from the daughter who suddenly enters in a room and witnesses the undesirable behaviour of her father and mother. The scene with marijuanna is a real surcasm on the main theme of the film. In the same scene the director makes the father and mother a laughing stock through the dialogues from a youth who professes the use of marijuanna.

The film is a success in attracting the older generation towards the ideals of younger generations. This is a film in which a new and fresh problem has been projected and incidentally this film turns out to be a festival film and gets the award. This illustrates how an exclusive film finds way to general films. Let us wait for the similar projections of the subjects by the same director or others to prove whether this pattern would continue or takes another shape.

FIRST TIFF INTERNATIONAL JURY

The Jury of the First Tehran International Film Festival will be composed of film authorities and experts from ten different countries. The members of the Jury are:

Brazil:

Mr. Sales Gomes

Egypt:

Mr. Salah Abuyousef

France:

Mrs. Marie Jose Nat

Great Britain:

Mr. Dickinson

Hungary:

Mr. Imre Gyongyossy

India:

Mr. Satyajit Ray

Iran:

Mr. Abdolmajid Majidi

Italy:

Mr. Alberto Lattuada

Japan:

Mrs. Kashiko Kawakita

USSR:

Mr. Grigori Chukhrai

We will publish a series of articles on members of International Jury in our coming issues.

A PUBLICATION OF FESTIVAL COMMITTEE FOR PUBLIC RELATION
MINISTRY OF CULTURE AND ARTS
Phone : **318637, 311244**

GENERAL AND EXCLUSIVE FILMS

ENTRY AND SUCCESS OF FILMS IN FESTIVALS: A BRIEF DESCRIPTION OF A "FESTIVAL FILM".

by **BIJAN KHORSAND**

The following article is written by Iran's famous film critic - Bijan Khorsand — who deals here with various aspects of cinematic arts and describes the technical difference between a «festival film» and a film produced mainly on commercial principles.

Khorsand is a writer, journalist and a sesoned film critic. He has written a number of short stories, a collection of which was published last year. He has also edited a leading film magazine of Iran — Setare Cinema — «film star».

It may not be fully justified to divide all the films into two categories — festival films and non-festival films — but at the moment let us accept this division and proceed further to discuss various aspects of cinematic arts leading to their entry and success in film festivals.

A festival film is that which is produced keeping in view all the preconditions of film festivals and limitations of film awards. All the American award winner films from «Ben Hur» to «Sound of Music» fall into this category. The term non-festival is not used here for only those films which are produced with this particular aim but it is attributed to other films also. The film «Darling Lili» may be included into this category. This film is produced without any definite purpose but as a whole it is not a good film.

The non-festival films are mainly produced on commercial lines but incidently and unexpectedly they find a way to festivals and get awards. The director of such a film does not expect any awards for his film and thus it is immaterial for him. But it does not mean that he would not be motivated and make films later for the film awards. However as far as the award is concerned such a director may easily be called successful. He is a winner be-

TEHRAN INTERNATIONAL FILM FESTIVAL

RETROSPECTIVE PROGRAMME

Festival's retrospective programme is dedicated to controvertial Italian poet, novelist, scriptwriter, . . . and film director Pier Paolo Pasolini.

Festival authorities announced a comprehensive programme of Pasolini's films, short and features, among which you can find unforgetable and ever controvertial films like Accattone, Mama Roma, La Ricotta (an episode for Rogopag), Il Vangelo Secondo Matteo (The Gaspel According to St Mathew), Uccellacci e Uccellini (Huge Birds and Tiny Brids), Edipo Re (Oedipus Rex), La Sequenza del Fiore di Carte (an episode for Gaspel 70), Teorema (Theorem), L'Orgia then Porcile (Pigsty), and Medea.

Decameron the latest feature film made by Pasolini may also be included in the retrospective programme (Authorities are trying to obtain a print).

Ten days with Pasolini is one of the most important achievement of First TIFF and for film scholars, a great occasion to study Pasolini's works in chronological order.



Pasolini's «Decameron»